

گزارش

 	«شرق» در گزارشی، نقش و راهبرد چین را در معادلات جاری و پیش‌روی ایران و آمریکا زیر ذره‌بین می‌برد	
پکن روی ریل احتیاط		
موسیٰ موحد		

در همه آشکار است که راهبرد سیاست خارجی چین، چه در پرورنده ایران و چه در دیگر بحران‌های بین‌المللی، عموماً بر حرکت تدریجی، محاسبه‌گری و پرهیز از ورود مستقیم به منازعات پرهزینه استوار بوده است. پکن در سال‌های گذشته نیز در قبال مناقشه ایران و آمریکا همین الگو را دنبال کرده است؛ از حمایت سیاسی و دیپلماتیک از تهران و مخالفت با فشارهای یک‌جانبه گرفته تا تأکید هیزمان بر مذاکره، ثبات منطقه‌ای و امنیت کشتیرانی. حتی در جریان جنگ اخیر نیز چین تلاش کرده بدون تبدیل‌شدن به یک طرف مستقیم جنگ، دامنه فشار بر ایران را در مجامع بین‌المللی محدود کند. وتوی مشترک چین و روسیه در شورای امنیت در ۱۷ سپتامبر علیه تمدید مأموریت هیئت کارشناسی نظارت بر تحریم‌های ایران، تازه‌ترین نمونه این رویکرد بود. اما اکنون به نظر می‌رسد این «احتیاط راهبردی» وارد جدی‌ترین مرحله آزمون خود شده است. ابتکار هفت‌روزه تهران برای توقف درگیری، بازگشایی تنگه هرمز و بازگشت به مذاکرات هسته‌ای از مسیر میناجی‌ها به واشینگتن منتقل شد، اما گزارش وال‌استریت ژورنال حاکی از آن است که دونالد ترامپ این پیشنهاد را رد کرده و حتی از احتمال ازسرگیری حملات پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا سخن گفته است؛ هرچند جزئیات و زمان‌بندی اقدام احتمالی آمریکا همچنان قطعی نیست. در چنین نقطه‌ای، بازی چین اهمیت متفاوتی پیدا می‌کند. پکن از یک سو نمی‌خواهد جنگی فراگیر در مجاورت یکی از مهم‌ترین مسیرهای انرژی جهان شکل بگیرد؛ زیرا اختلال طولانی‌مدت در هرمز، بازار انرژی، تجارت جهانی و اقتصاد چین را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر، پکن نمی‌تواند نسبت به تشدید فشار آمریکا علیه ایران بی‌تفاوت باشد؛ چراکه چنین روندی مستقیماً با اصل مخالفت پکن با فشار یک‌جانبه، مداخله نظامی و تغییر موازنه‌های منطقه‌ای از طریق زور در تعارض قرار می‌گیرد. مواضع رسمی چین نیز هم‌زمان بر مذاکره، بازگشت به تفاهم ایران و آمریکا و حفظ امنیت هرمز تأکید کرده است. با این حال، اهمیت کنونی پکن فقط در «حمایت از ایران» خلاصه نمی‌شود. اگر واشینگتن بار دیگر مسیر نظامی را در پیش بگیرد، چین باید میان چند ملاحظه هم‌زمان تعادل برقرار کند: حفظ روابط راهبردی با تهران، جلوگیری از بی‌ثباتی در بازار انرژی، مدیریت روابط خود با آمریکا و اروپا و پرهیز از گرفتارشدن در جنگی که مستقیماً متعلق به آن نیست. این منظر تحلیلی، ادامه درگیری طولانی نیز می‌تواند بخشی از ظرفیت و توجه راهبردی آمریکا را در خاورمیانه درگیر کند دارد و برای چین فضای مانور بیشتری در پرورنده‌های دیگر ایجاد کند؛ اما این را باید یک استنباط ژئوپولیتیکایی دانست، نه موضع اعلام‌شده پکن.

بنابراین، در مرحله پیش‌رو می‌تواند روشن کند که احتیاط چین تا کجا امتداد دارد. اگر جنگ گسترده دیگری آغاز شود، دیگر صرفاً موضوع‌گیری‌های دیپلماتیک پکن اهمیت نخواهد داشت؛ نحوه استفاده چین از حق وتو، وزن سیاسی آن در شورای امنیت، تعاملش با کشورهای خلیج فارس و واشینگتن و میزان حمایت عملی از تهران می‌تواند بر شکل‌گیری معادلات بعدی اثرگذار باشد. به همین دلیل، چین اکنون بیش از همیشه در موقعیتی قرار گرفته که باید نشان دهد «احتیاط» برای پکن صرفاً ابزار مدیریت بحران است یا در نقطه‌ای می‌تواند به یک سیاست فعال‌تر برای جلوگیری از تغییر موازنه منطقه‌ای تبدیل شود.

پکن میان تهران، واشینگتن و تنگه هرمز؛ سباسبی بر مدار مهار بحران

تازه‌ترین مواضع چین در قبال جنگ ایران و آمریکا نشان می‌دهد پکن تلاش می‌کند در یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های ژئوپولیتیکایی سال‌های اخیر، ضمن حفظ روابط خود با تهران، از ورود مستقیم به رویارویی با واشینگتن نیز پرهیز کند. در همین چارچوب، شسی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، در گفت‌وگوی اخیر خود با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در جریان سفر به این کشور، خواستار بازگشت هر چه سریع‌تر ایران و آمریکا به مسیر گفت‌وگو و مذاکره برای حل اختلافات شد. بر اساس گزارش شینخوا، شی عنوان کرده است چین همواره بر احترام به حاکمیت و امنیت کشورها و کاهش تنش‌ها تأکید داشته و از تلاش‌ها برای بازگرداندن طرف‌های درگیر به مسیر سیاسی حمایت می‌کند. او همچنین از بازگشت ایران و آمریکا به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و دست‌یابی به توافق جامع درباره مسئله هسته‌ای و سایر موضوعات سخن گفته است. در س‌ووی دیگر، ترامپ نیز پس از گفت‌وگو با ششی اعلام کرده است درباره جنگ ایران با رئیس‌جمهور چین صحبت و ابراز امیدواری کرده که «وضع خیلی خوب پیش برود». این اظهارات، دست‌کم در سطح علنی، از تلاش دو طرف برای جلوگیری از تبدیل پرورنده ایران به بحرانی تازه در روابط چین و آمریکا حکایت دارد.

در همین حال، دیدید پرود، سفیر آمریکا در چین، مدعی شده است واشینگتن به پکن اعلام کرده هرگونه کمک به ایران، چه مستقیم و چه غیرمستقیم و در قالب اطلاعات، قطعات یا تجهیزات نظامی، غیرقابل قبول است. به گفته او، ترامپ نیز این موضع را در گفت‌وگوی اخیر خود با ششی بار دیگر به صراحت مطرح کرده است. این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که چین در مواضع رسمی خود همواره بر ضرورت پایان درگیری و بازگشت به مذاکره تأکید کرده است. وزارت خارجه چین نیز پیش‌تر درباره تنگه هرمز خواستار خوش‌اندازی، جلوگیری از تشدید تنش، حل اختلافات از مسیر گفت‌وگو و بازگشت هر چه سریع‌تر آرامش به این آبراه شده بود. پکن همچنین بر ضرورت احترام به حاکمیت، امنیت و تمامیت ارضی کشورهای ساحلی و حفظ منافع مشروع جامعه بین‌المللی تأکید کرده است.

این مواضع نشان می‌دهد تنگه هرمز برای چین صرفاً یک موضوع مرتبط با مناقشه ایران و آمریکا نیست؛ بلکه مسئله‌ای با ابعاد مستقیم اقتصادی و راهبردی است. اختلال طولانی‌مدت در این آبراه می‌تواند امنیت انرژی و زنجیره‌های تأمین جهانی را تحت فشار قرار دهد و پیامدهای آن برای اقتصاد چین نیز درخور توجه خواهد بود. وزیر خارجه چین نیز در دیدار اخیر خود با عباس عراقچی، بر ضرورت بازگشت عبور و مرور عادی و ایمن از هرمز تأکید کرده است. از همین منظر، تأکید مکرر پکن بر مذاکره را نمی‌توان صرفاً یک موضع دیپلماتیک عمومی تلقی کرد. چین از یک سو نمی‌خواهد در شرایطی که روابطش با آمریکا همچنان برای اقتصاد و امنیت ملی آن اهمیت حیاتی دارد، وارد تقابل مستقیم با واشینگتن شود؛ از سوی دیگر، نمی‌تواند نسبت به جنگی که در نزدیکی یکی از مهم‌ترین مسیرهای انرژی جهان جریان دارد و متحد راهبردی این کشور را نیز درگیر کرده است، بی‌تفاوت بماند.

 	حمایت سیاسی از ایران، پرهیز از رویارویی با آمریکا؛ محاسبه پیچیده پکن در تهران نیز موضع چین با استقبال همراه شده است. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، از موضع شی جین‌پینگ در حمایت از بازگشت به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و حل اختلافات از طریق گفت‌وگو و مذاکرات قدردانی کرده و گفته است ایران نیز بر اجرای تعهدات مورد توافق و فراهم‌شدن زمینه برای مذاکرات جدی و نتیجه‌محور تأکید دارد. پزشکیان همچنین بر اشتراک تهران و پکن درباره احترام به حاکمیت کشورها، کاهش تنش و صیانت از صلح و ثبات منطقه‌ای تأکید کرده است. این موضع با چارچوبی که چین در ماه‌های اخیر در قبال بحران منطقه مطرح کرده است، همخوانی دارد. پکن از یک سو از حق ایران برای حفظ حاکمیت و امنیت خود حمایت کرده و از سوی دیگر، بر ضرورت پایان جنگ و احیای مسیر مذاکرات تأکید داشته است.	
---	--	---

از واکنش‌ها به سخنان حسن روحانی تا تجمع مقابل منزل او؛

«شرق» در گفت‌وگو با چهره‌های سیاسی، ریشه منازعات سیاسی و حدود اعتراض را بررسی می‌کند

روحانی و جدال بی‌پایان

زهره فراهانی؛ سخنان حسن روحانی درباره جنگ، مذاکره و ضرورت شنیدن نظر مردم، پس از چند هفته همچنان واکنش برانگیز است؛ سخنانی که برخی منتقدان آن را به معنای پیشنهاد همه‌پرسی درباره فاع از کشور تفسیر کردند و به انتقادهای تند سیاسی و رسانه‌ای انجامید. این مناقشه اما به تریبون‌ها محدود نماند و گروهی از مخالفان رئیس‌جمهور پیشین، این بار مقابل منزل او تجمع کردند و خواستار بر خوردر قضائی شدند. روحانی نیز بار دیگر به این اختلاف پاسخ داد و تأکید کرد که منظورش همه‌پرسی درباره اصل دفاع در برابر تجاوز نبوده است. اکنون در شرایطی که کشور با جنگ روبه‌روست و رهبری بر ضرورت حفظ انسجام اجتماعی تأکید کرده، پرسش این است که چرا ا اختلاف بر سر سخنان یک رئیس‌جمهور سابق، به چنین مواجعه‌ای رسیده و میزان نقد سیاسی، اعتراض و تعرض به جرم اشخاص کجاست؟ «شرق» در گفت‌وگو با عباس سلیمی‌نمین، علی‌محمد نمازی و عبدالله رمضان‌زاده، این مناقشه و ریشه‌های آن را بررسی کرده است.

از یک سخنرانی تا تجمع مقابل خانه

ماجرای از یک پرسش آغاز شد؛ پرسشی درباره آینده جنگ و ضرورت مشورت با مردم درباره اهداف بلندمدت کشور. حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین ایران، نهم شهریور در دیدار با جمعی از استادانار، معاونان استانداران و فرمانداران دولت‌های یازدهم و دوازدهم، از ضرورت پایان عزم‌نامه جنگ، حمایت از نیروهای مسلح و مذاکره‌کنندگان و روشن‌بودن اهداف ملی سخن گفت. او با طرح این فرض که اگر قرار باشد ایران ۲۰ سال دیگر با قدرت‌های بزرگ جهانی بجنگد، آیا نباید نظر مردم را درباره چنین مسیری جویا شد، بر نقش مشارکت عمومی در تصمیم‌های کلان تأکید کرد. روحانی همچنین گفته بود که مسئولیت‌های حکومتی به امانت از طرف مردم در اختیار افراد قرار گرفته و مسئولان باید با آنان گفت‌وگو کنند. متن این سخن در سیزدهم شهریور بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد. این بخش از اظهارات رئیس‌جمهور اسبق به یکی از موضوعات مناقشه سیاسی تبدیل شد. منتقدان او می‌گفتند ایران آغازگر جنگ نبوده و دفاع در برابر حمله خارجی، موضوعی نیست که بتوان آن را به مراجعه به آرای عمومی مشروط کرد. در مقابل، روحانی بر ضرورت مشورت با مردم درباره اهداف بلندمدت ملی و نحوه دستیابی به امنیت تأکید داشت. در روزهای بعد، انتقادها از فضای رسانه‌ای فراتر رفت و در بر خسی تجمعات نیز نام رئیس‌جمهور پیشین و محمودجواد ظریف در شعارها مطرح شد. سرانجام ویدئویی از حضور گروهی از معترضان مقابل منزل حسن روحانی منتشر شد؛ تصاویری که نشان می‌داد اختلافات سیاسی این بار به محل سکونت یک مسئول سابق رسیده است. ویدئویی این‌رچر جمع روز جمعه، زمان گزاراژ آن‌سام شهریور بوده است. در تصاویر منتشرشده، تجمع‌کنندگان شعارهایی علیه روحانی سر می‌دهند نام محمودجواد ظریف و سیدمحمد خاتمی نیز در میان شعارها شنیده می‌شود. یکی از حاضران با بلندگو سخن می‌گوید و خواستار برخورد قضائی با رئیس‌جمهور اسبق می‌شود.تجمع مقابل منزل روحانی از این جهت با انتقادها از پیشین تفاوت داشت که مناقشه بر سر عملکرد و اظهارات یک سیاستمدار، به محل زندگی او منتقل شده بود. محل تجمع، در کنار محتوای شعارها، پرسش‌هایی درباره حدود اعتراض و مسئولیت برگزارکنندگان ایجاد کرد. با این حال، درباره هویت سازمان‌دهندگان و چگونگی فراخوان این تجمع اطلاعات مستقلی در دست نیست و نمی‌توان صرفاً بر اساس تصاویر منتشرشده، مسئولیت برگزاری آن را به شخص یا جریان مشخصی نسبت داد.

واکنش‌هایی که پایان نیافت

پیش از انتشار ویدئوی تجمع، سخنان روحانی در رسانه‌ها و محافل سیاسی با پاسخ‌های متعددی مواجه شده بود. یکی از واکنش‌های صریح، یادداشت‌های بدالله جوانی، معاون سیاسی سپاه پاسداران بود که با عنوان «دفاع شرافتمندانه همه‌پرسی نمی‌خواهد» منتشر شد. جوانی از این زاویه به سخنان روحانی اعتراض کرد که به اعتقاد او، دفاع از تمامیت ارضی کشور در برابر تجاوز خارجی، مشروعیت خود را از همه‌پرسی نمی‌گیرد. در رسانه‌های منتقد دولت روحانی نیز این بحث ادامه یافت. برخی، اظهارات رئیس‌جمهور اسبق را نشانه نادوم نگاه دولت‌های یازدهم و دوازدهم به سیاست خارجی و مذاکره ارزیابی کردند و برخی دیگر از ضرورت توجه به تفاوت میان جنگ انتخابی و دفاع در برابر حمله خارجی نوشتند. انتقادها در بیانه‌ی سی‌ویکم شهریور مجلس خبرگان رهبری نیز بازتاب یافت. مجلس خبرگان در بیانه‌ای درباره شرایط کشور و منطقه، بر ضرورت ادامه مقاومت و حفظ انسجام تأکید کرد و ضمن انتقاد از سخنان اخیر درباره فرارندوم و صلح شرافتمندانه، این‌گونه مواضع را مغایر سیاست‌های اعلام‌شده توصیف کرد. در بخشی از بیانه، اظهاراتی از این‌دست به‌عنوان سخنانی ناسنجیده و ترفه‌افکنانه معرفی شده و از قوه قضائیه خواسته شده بود با آنچه بیانه تخلف و جرم و دیند، برخورد کند. این بیانه نیز در ادامه همان اختلافی قرار می‌گرفت که از سخنان روحانی درباره نظر مردم و پایان جنگ آغاز شده بود.

روحانی: در فرارندوم گفتم و نه همه‌پرسی

حسن روحانی روز شنبه، چهارم مهر، در دیدار با جمعی از سفیران، استادان و صاحب‌نظران سیاست خارجی، بار دیگر درباره سخنان پیشین خود توضیح داد. او تأکید کرد که بخش درباره شرایط جنگ، ناگزیرویی و تحریف دیگران از مورد انتقاد قرار داد و تأکید کرد که هدف ملی به معنای یکپارچگی‌بودن دیدگاه‌های سیاسی نیست. روحانی همچنین با اشاره به شرایط کشور، گفت ایران هنوز از وضعیت بحران خارج نشده و مسئله اصلی، چگونگی تبدیل دستاوردهای میدان به ترتیبات سیاسی پایدار است. او در بخش دیگری از سخنانش، بر ضرورت تقویت هم‌زمان توان نظامی و دیپلماسی تأکید کرد و قدرت ملی را مجموعه‌ای از ظرفیت‌های دفاعی، سیاسی و اجتماعی دانست. با این توضیحات، اختلاف بر سر اظهارات روحانی وارد مرحله دیگری شد؛ مرحله‌ای در آن در



نیستند. اتفاقاً مسئولیت‌های طولانی، زمینه پاسخ‌خواهی درباره عملکرد سیاسی و اجرایی او را فراهم می‌کنند. اما سابقه روحانی نشان می‌دهد که منازعه کنونی با شخصیتی صورت گرفته که خود سال‌ها در ساختار تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی حضور داشته است. از این زاویه، مسئله تنها اختلاف بر سر عملکرد یک دولت سابق نیست؛ پرسش دیگری نیز مطرح می‌شود: شیوه مواجهه سیاسی با مسئولانی که روزگاری بخشی از ساختار قدرت بوده‌اند و اکنون درباره مسائل جاری کشور اظهارنظر می‌کنند، باید چگونه باشد؟ علی‌محمد نمازی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، در گفت‌وگو با «شرق» به همین موضوع اشاره می‌کند.

نمازی: در کدام محکمه محاکمه و محکوم شده‌اند؟

نمازی معتقد است برای بررسی تجمع مقابل منزل روحانی، ابتدا باید به زمان و شیوه اعتراض توجه کرد. او می‌گوید: «زمان‌شناسی و فرصت‌شناسی در هر کاری از اولویت خاصی برخوردار است». به اعتقاد او، حتی اگر تجمع‌کنندگان با مواضع رئیس‌جمهور سابق و محمودجواد ظریف مخالف باشند، این اختلاف باید از مسیر گفت‌وگو و نقد پیگیری شود. نمازی توضیح می‌دهد: «آن کشور در یک جنگ جدی درگیر است، جنگی که بسیار نابرابر است. بعد یک عده‌ای با شعار دفاع از نظام و کشور و دلسوزی برای مردم جمع می‌شوند، به‌جای اینکه اگر حتی با آقای ظریف و آقای دکتر روحانی هم مخالف باشند، بایبند با مخالف مناظره کنند و بگویند اگر اشتباه می‌کند قانع کنند؛ اما تخریب می‌کنند، حمله می‌کنند، توهین می‌کنند». او چنین شیوهای از مواجهه سیاسی را قابل توجیه نمی‌داند. اما مسئله از نگاه نمازی فقط به شیوه بیان مخالفت محدود نمی‌شود. او تأکید می‌کند که میان انتقاد از عملکرد اشخاص و احراز تخلف یا جرم نیز بی‌تفاوت قائل شد. نمازی در میانه صحبت‌هایش می‌پرسد: «در کدام محکمه اینها محاکمه و محکوم شدند؟ در کدام مرجع صالح قضائی به اتهام اینها رسیدگی شد؛ ثابت شده که مقصر هستند، مجرم‌اند؛ باید با آنها برخورد شود؟». او معتقد است اگر درباره عملکرد یک مقام سابق ادعای تخلف یا جرم وجود دارد، باید از مسیر قانونی پیگیری شود و فرد مورد اتهام نیز امکان دفاع از خود را داشته باشد. به گفته او، در چنین مواردی باید شکایت در مرجع صالح مطرح شود، شخص مورد اتهام توضیح دهد و قاضی براساس مدارک و قانون تصمیم بگیرد. نمازی در ادامه به سابقه مسئولیت‌های روحانی اشاره می‌کند و می‌پرسد چرا اختلاف سیاسی باید به مقابل منزل شخصی کشیده شود که سال‌ها در نهادهای رسمی کشور حضور داشته است. او همچنین مدعی است که در برخی از این تجمعات از امکانات دولتی استفاده می‌شود؛ ادعایی که درباره تجمع اخیر نیازمند بررسی و ارائه مستندات مستقل است،

اقتدار، قانون و تکرار تجمع

نمازی در بخش دیگری از گفت‌وگو، بحث را از شخص روحانی فراتر می‌برد و به ریشه‌های تکرار این نوع رفتارها می‌پردازد. او معتقد است بخشی از مشکل به نحوه اجرای قوانین و میزان اختیارات مسئولان بازمی‌گردد. از نگاه این فعال سیاسی اصلاح‌طلب، هنگامی که قانون به شکلی بی‌طرفانه اجرا نشود، برخی افراد تصور می‌کنند می‌توانند خواسته‌های خود را با هر شیوه‌ای که مناسب می‌ی‌انند پیگیری کنند. نمازی در توضیح مفهوم اقتدار، تعریفی ارائه می‌دهد که خود بر انتقار آن تأکید دارد: «اقتدار عبارت است از اعمال قانونی قدرت، نه زور داشتن». او معتقد است اقتدار نباید صرفاً با توان استفاده از زور تعریف شود، بلکه به معنای اجرای قانون در چارچوب اختیارات رسمی است. نمازی می‌گوید: «وقتی قانون اعمال نمی‌شود، نتیجه‌اش درصدی یا ضریبی از هرج‌ومرج حاکم خواهد شد». او چنین رفتارهایی را از پیامدهای ضعف اجرای قانون می‌داند و معتقد است اگر تخلفات احتمالی به شکل قانونی پیگیری نشوند، امکان تکرار آنها نیز وجود خواهد داشت. نمازی همچنین درباره پیامدهای بی‌رونی این اتفاقات سخن می‌گوید و معتقد است نحوه مواجهه با مسئولان سابق می‌تواند بر ارزیابی فعالان اقتصادی و شرکای خارجی از میزان حاکمیت قانون در کشور تأثیر بگذارد. او می‌گوید: «در دنیا کسانی که می‌خواهند با ما در آینده وارد رابطه شوند، همکاری کنند، سرمایه‌گذاری کنند، به ضرب اطمینان حاکمیت قانون نمره می‌دهند». این بخش از گفت‌وگوی نمازی نشان می‌دهد که او تجمع اخیر را صرفاً موضوعی مربوط به اختلافات حزبی نمی‌داند، بلکه آن را در چارچوب گسترده‌تری از نحوه اجرای قانون و حقوق اشخاص بررسی می‌کند.

رمضان‌زاده: یک عده نشان در دعواست

عبدالله رمضان‌زاده، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و سخنگوی دولت ائتلاف، ساعات، سومین چهره‌ای است که «شرق» درباره تجمع مقابل منزل روحانی با او گفت‌وگو کرده است. او در ارزیابی این اتفاق از زاویه‌ای متفاوت با سلیمی‌نمین وارد بحث می‌شود. رمضان‌زاده معتقد است وقتی در برخی تجمعات و تریبون‌های عمومی علیه اشخاص شعار داده می‌شود، باید نسبت این رفتارها به تأکید بر ضرورت انسجام اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. او می‌گوید: «وقتی در تریبون‌هایی که رسماً برگزار می‌شود، در مابین به اشخاص توهین می‌شود و سخنرانان و مداحان نام اشخاص را می‌برند، دیگر آن که ما مدعی انسجام و ضرورت اجتماعی هستیم؛ طبیعتاً این حرکات بازی در زمین دشمن است». رمضان‌زاده در ادامه خواستار رسیدگی به رفتارهایی می‌شود که به اعتقاد او، می‌توانند زمینه‌ساز تندرشن منازعات سیاسی شوند. او همچنین مدعی است تحریک‌کنندگان و سازمان‌دهندگان چنین رفتارهایی برای نهادهای

مسئول شناخته‌شده‌اند. این ادعا درباره تجمع مقابل منزل روحانی، بدون اطلاعات و مستندات مستقل، قابل انتساب به افراد یا نهادهایی مشخص نیست. اما بخش دیگری از مصاحبه رمضان‌زاده به پرسش اصلی گزارش بازمی‌گردد: چرا نام روحانی و ظرفیت همچنان در منازعات سیاسی حضور دارد، درحالی‌که هیچ‌کدام مسئولیت اجرایی سابق خود را بر عهده ندانند؟ رمضان‌زاده در پاسخ می‌گوید: «یک عده نشانان در دعواست و فرقی برایشان نمی‌کند کسی سر کار باشد، مسئولیت داشته باشد، نقشی در تصمیم‌گیری داشته باشد یا نداشته باشد». او معتقد است بخشی از جریان‌های سیاسی، اختلاف با مسئولان سابق را همچنان موضوعی برای ادامه منازعات خود قرار داده‌اند. این برداشت رمضان‌زاده درباره انگیزه‌های مخالفان است؛ درحالی‌که سلیمی‌نمین ریشه اختلافات را در مواضع گذشته و حال روحانی و نگرانی منتقدان از تکرار آن سیاست‌ها می‌بیند.

نمی‌شود با دو هو رفتار کرد

رمضان‌زاده در بخش دیگری از گفت‌وگو، مسئله آزادی بیان و برخورد برابر با جریان‌های سیاسی را مطرح می‌کند. او تأکید دارد که هیچ‌کس نمی‌گوید نباید با روحانی یا ظریف مخالفت کرد، اما امکان بیان مخالفت باید در چارچوب قانون باشد و طرف مقابل نیز بتواند به انتقادها پاسخ دهد. رمضان‌زاده می‌گوید: «آزادی در چارچوب قانون معنا پیدا می‌کند. اینها را کسی نگفته که با آقای ظریف و با آقای روحانی مخالفت نکنند؛ مخالفت کنند، ولی این آزادی برای مدافعان این اشخاص هم وجود داشته باشد که بایبند ارشان دفاع کنند». او سپس با انتقاد از آنچه برخورد دوگانه با جریان‌های سیاسی می‌داند، ادامه می‌دهد: «نمی‌شود که با دو هوا رفتار کرد. اینها هرکاری دلشان می‌خواهد می‌کنند، هرجا جمع می‌شوند، هرجا شعار می‌دهند، ولی دیگران اجازه ندارند به اینها بگویند بالای چشمتان ابرو است». رمضان‌زاده درباره توضیح تازه روحانی نیز معتقد است نباید سخنان رئیس‌جمهور اسبق را به معنای پیشنهاد همه‌پرسی درباره اصل دفاع از کشور تفسیر کرد. او می‌گوید در شرایطی که کشور با تهدید خارجی روبه‌روست، مسئله دفاع موضوعی متفاوت از تصمیم‌گیری درباره مسیر بلندمدت کشور و چگونگی پایان جنگ است. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب تأکید دارد که مخالفت با سخنان یک سیاستمدار، باید با پاسخ و استدلال همراه باشد و نباید به محدودکردن امکان اظهار نظر طرف مقابل منجر شود.

انسجام اجتماعی و اختلافاتی که ادامه دارد

مناقشه اخیر در شرایطی شکل گرفته که رهبری نیز درباره پیامدهای دوقطبی سازی هشدار داده است. رهبر انقلاب در پیام ششم شهریور به مناسبت هفته دولت، از دوگانه‌سازی‌هایی مانند جنگ با مذاکره، وفای با تندروی و سازش یا جنگ‌طلبی نام برد و بر ضرورت جلوگیری از رفتارهایی که به انسجام اجتماعی آسیب می‌زند، تأکید کرد. در این پیام آمده بود: «رتکاب هراتجه به‌ضمر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است». باین‌حال اختلافات سیاسی درباره عملکرد مسئولان سابق و تصمیم‌های کنونی کشور همچنان ادامه دارد. تجمع مقابل منزل روحانی نیز در چنین فضایی اتفاق افتاده است؛ فضایی که در آن از یک سو بر ضرورت حفظ انسجام تأکید می‌شود و از سوی دیگر، مناقشه بر سر اظهارات یک مسئول سابق به تجمع در محل سکونت او می‌رسد. سه مصاحبه «شرق» نشان می‌دهد که حتی درباره ریشه این اتفاق نیز میان فعالان سیاسی اتفاق نظر وجود ندارد. سلیمی‌نمین معتقد است اظهارات روحانی موجب نگرانی شده و مسئولیت آغاز اختلاف متوجه رئیس‌جمهور اسبق است. باین‌حال، واکنش‌هایی را که موجب غفلت از دشمن خارجی می‌شوند نیز خطا می‌داند. نمازی می‌گوید: «از زاویه حاکمیت قانون بررسی می‌کند و معتقد است اختلاف با یک مسئول سابق، مجوزی برای عبور از ضوابط قانونی نیست. رمضان‌زاده نیز بر ضرورت وجود امکان برابر برای بیان مخالفت و دفاع از دیدگاه‌های سیاسی تأکید دارد و خواستار رسیدگی قانونی به رفتارهایی است که به اعتقاد او، زمینه تشدید منازعات را فراهم می‌کند. تفاوت این سه روایت نشان می‌دهد مسئله تجمع مقابل منزل روحانی، به اختلاف بر سر یک سخنرانی محدود نمی‌شود؛ این مناقشه به پرسش‌های گسترده‌تری درباره کارنامه دولت‌های گذشته، سیاست خارجی، حق اعتراض، حاکمیت قانون و مسئولیت جریان‌های سیاسی در شرایط جنگی پیوند خورده است.

از نقد مسئولان سابق تا مرزهای اعتراض

در بررسی این اتفاق، یک تمایز نیز اهمیت دارد: نقد عملکرد حسن روحانی با تشخیص جرم یا تخلف احتمالی او یکسان نیست. رئیس‌جمهور سابق، مانند هر مسئول دیگری، می‌تواند درباره تصمیم‌های دوران مسئولیت خود مورد سؤال قرار گیرد. مخالفان او نیز می‌توانند عملکرد دولت‌های یازدهم و دوازدهم را نقد کنند و در صورت وجود ادعای تخلف، موضوع را از مسیر قانونی پیگیری کنند. در مقابل، درباره شیوه برگزاری تجمع و رفتار افراد حاضر نیز باید براساس قانون و شواهد مشخص بررسی صورت گیرد. اصل بیست‌وهفتمقانون اساسی، آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها را با شرایط مقرر در همان اصل به رسمیت شناخته است. اصل بیست‌ودوم بر مبر ضرورت رعایت جان، مال، حقوق و مسکن اشخاص و مکر در مواردی که قانون نقض کند، تأکید دارد. از این منظر، صرف مخالفت با یک رئیس‌جمهور سابق با مطالبه رسیدگی قضائی به عملکرد او نباید با وقوع جرم یکسان دانسته شود. درعین‌حال، توهین، تهدید یا ایجاد مزاحمت نیز موضوعاتی مستقل‌اند که باید براساس رفتار مشخص اشخاص و ضوابط قانونی بررسی شوند. این مسئله درباره نحوه مسئولان سابق و کنونی قابل طرح است؛ چه حسن روحانی و محمودجواد ظریف باشند و چه دیگر چهره‌های سیاسی که عملکرد یا اظهاراتشان موضوع اعتراض قرار می‌گیرد. پایان مسئولیت اجرایی یک مقام، ضرورت پاسخ‌گویی درباره عملکرد گذشته‌اش را از بین نمی‌برد. اما اختلاف با او نیز به‌تنهایی مبنایی برای عبور از حقوق قانونی اشخاص نیست. اکنون پس از سخنان تهم‌شهریور روحانی، واکنش منتقدان، بیانه مجلس خبرگان، تجمع مقابل منزل او و توضیحات تازه رئیس‌جمهور اسبق در چهارم مهر، همچنان پرسش‌هایی درباره این مناقشه باقی مانده است. آیا توضیح تازه روحانی می‌تواند به روش‌ترشدن موضوع اختلاف کمک کند؟ منتقدان او درباره تفاوت میان اصل دفاع از کشور و مشورت با مردم درباره اهداف بلندمدت به نظری دارند؟ برگزارکنندگان تجمع مقابل منزل روحانی چه توضیحی درباره انتخاب این محل دارند و نهادهای مسئول چگونه حدود قانونی چنین اعتراض‌هایی را بررسی می‌کنند؟ این پرسش‌ها به همان اندازه که درباره حسن روحانی مطرح‌ند، درباره شیوه مواجهه جریان‌های سیاسی با یکدیگر نیز اهمیت دارند. در شرایطی که جنگ، تصمیم‌گیری درباره آینده کشور را به هیئت فوری تبدیل کرده، اختلاف‌نظر درباره سیاست خارجی و نحوه اداره کشور همچنان وجود خواهد داشت. مسئله‌ای که تجمع اخیر بار دیگر پیش کشیده، چگونگی مدیریت همین اختلافات است؛ اینکه آیا مناقشات سیاسی می‌توانند در چارچوب گفت‌وگو و سازوکارهای قانونی ادامه پیدا کنند یا از تریبون‌ها به تجمعات عمومی، به محل زندگی اشخاص نیز کشیده خواهند شد.